(118)

هو الابهی الابهی

ای دوستان حضرت رحمن در این احیان در روزنامهای اخبار متوارد و متواتر که ژاپونرا با چینیان جنگ و ستیز است و از این گیر و دار در خاور زمین رسم رستخیز لشکر و سپاهست که جوق جوق چون سیل میاهست میدان رزمست که جولانگاه جنود پر عزمست آتش جنگ است که شعله توپ و تفنگ است نیران حروبست که نائره جحیم کروپست سفائن اژدر مثالست که در هجوم و جدال است بنیاد حصونست که بر باد و مدفونست قلاع متین است که مساوی قعر زمین است افواج چون امواجست که در دریای هلاک غرق و نابود از مرگ بی‌علاج اجسام کشتگانست که در خاک و خون غلطانست نهر دماء است که جاری و پر جریانست بنیان انسانست که مهدوم و ویرانست اطفال صغیر است که یتیم و اسیر است پیران سالخورده است که آلوده بخون و آزرده است گروه بیوه زنانست که سرگشته و سرگردانست قراء معموره است که خراب و مطموره است مدائن عظیمست که معرض ریح صرصر عقیم است قصور است که خرابه قبور است اقلیمی بکلی خراب و دمار شد و کشوری نابود و بی‌آثار گشت مملکتی زیر و زبر شد و ملتی بی‌پا و سر گشت ثمره و نتیجه جمیع این زلازل و طوفان که بر بنیان انسان وارد آنکه ژاپون غالب گشت و چینی خائب و این عبارت از وهمی چون سراب بیابان و عکسی چون صور مرتسمه در آب روان چه که این گونه ظفر بی‌پا و بی‌بنیان و چون بدقت نظر و حدت بصر ملاحظه نمائی فتوح و ظفر بر دو قسمست یکی فتوحات روحانیه که در اقلیم قلوب واقع و با لشکر نجات مهاجم و چون جنود حقائق و معانی هجوم آرد و سپاه نفس و هوی و شیاطین غفلت و عمی طرد و رجوم گردد مدائن دلها فتح شود و قلاع قلوب مسخر گردد و دیگری فتوحات جسمانیه است که اقلیم و کشور محو و نابود گردد و جمعیت بشر معدوم و مفقود شود آباد ویران گردد زندگان اموات شود عدل و داد مبدل بظلم و عدوان گردد و راحت و آسایش زائل و جهان آفرینش متزلزل و خائب شود تفاوت میان این دو فتح و ظفر اینست که فتوحات روحانیه چون استیلاء آفتابست که خاور و باختر را بتیغ شعاع فتح و آفاق و کشور را بحرارت فیض مسخر میفرماید و فتوحات جسمانیه چون احاطه ظل و تسخیر ظلامست که محیط شرق و غرب و مستولی بر ایامست و همچنین ظفر لشکر روحپرور چون استیلاء ارواح بر اجسام است و تسخیر اجسام چون ظفر و نصرت موت بر اجساد و ابدان آن حیات جاودان بخشد و این موت بی‌پایان آن طراوت و لطافت عنایت کند و این جمودت و بطالت آن فیض بی‌پایان

مبذول دارد و این تعب بیکران پس ای احبای الهی از خدا بخواهید که غضنفر میدان قلوب باشید و صفدر صفوف کروب سالار سپاه معانی باشید و سردار لشکر حقائق رحمانی شهسوار مضمار علوم باشید و هژبران حدائق و غیاض حی قیوم اینست فضل عظیم و لطف رب کریم که نمونه و انک لعلی خلق عظیمست از عنایات و مواهب جمال قدم امیدواریم که دوستان حقیقی باین موهبت عظمی موفق و مؤید گردند و البهآء علیکم و علی کل من فتح مدائن القلوب بجنود نفحات الله (ع ع)